

یاد دوست

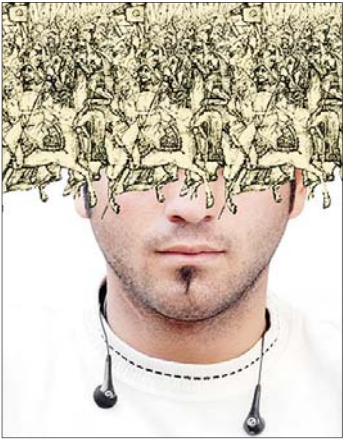
برای صادق تیرافکن

شیفته انسان، عاشق ایرانی



مجد سعیدی

● من با واسطه عباس کوثری در سال‌های دور با صادق آشنا شدم- در نگاه اول فردی بود مغرور و کم‌حرف، اما رفتارفته برعکس آن برای من هویدا شد.او در عین جوانی فردی کامل و هنرمندی والا بود.او تقریباً با تمام هنرهای بصری کاملاً آشنا بود. کم حرف می‌زد ولی بقدری سنجیده و با معلومات کلمات را ادا می‌کرد که به دل می‌نشت، او تاثیر شگرفی روی دوستان اطرافش داشت. اوایل که با او آشنا شدم چندین‌بار برای کارهای بقول خودم هنری بااو مشورت کردم و این‌قدر خوب براب این موضوع را روشن کرد که من بدون هیچ موضع‌گیری کلامش رو پذیرفتم، او می‌گفت که تو در دنیای خودت تاثیر زیادی گذاشتی و با وجود این توانایی، نیازی نیست در حوزه دیگر وارد شوی. او نقش بزرگی در آثار هنرمندانی همچون عباس کوثری و توشا توکلیان داشت. در خانه‌اش به‌روی همه باز بود. خانه‌ای زیبا در خیابان هشتم‌وزرا که با آثار دیگر هنرمندان تزئین شده بود. او سعی می‌کرد بیماری خود را تا آخرین لحظت‌ات زندگی از دیگران دور نگه دارد. یادم است در آخرین دیدارمان در فروردین‌ماه‌امسال در خانه‌اش، با اینکه سرگیجه و عدم تعادل داشت سعی می‌کرد در کارهای خانه کمک کند و نشان دهد که خوب است. از وی خواستم که نظرش را درباره آخرین مجموعه کارم بدهد، با وجود حال بد به‌سرعت پذیرفت. بینایی‌اش تحلیل رفته بود. به او گفته بودم که صادق اگر تو- این مجموعه را نپذیری من آن را نداشتیم. به‌دلیل دید کم‌ش که ناشی از بیماری روی بودی همان عکس اول نظرش را بگوید ولی با کمال تعجب از من عکس‌های بیشتر خواست و در نهایت گفت این مجموعه‌ای بود که می‌خواسته کار کند اما بیماری امانش نداده و بسیار از آن استقبال کرد. از او تقاضا کردم که این مجموعه را در کنار او کامل کنم، بسیار خوشحال شد اما آن غده لعنتی اجازه نداد. او حرف گذاشت‌اش را تکرار کرد که تبحر تو در عکاسی کلاسیک است ولی این نوع آثار را برای فرات انجام بده. در آخرین نمایشگاهش که مجموعه کارهای مستندش را برای نمایش گذاشته بود، با وجود بیماری، با علاقه و احترام به بازدیدکنندگان، نمایشگاه را از طریق اسکایپ دنبال می‌کرد و لبخند از لبانش دور نمی‌شد. او برای مردم کار می‌کرد. برعکس بسیاری از هنرمندان که بعد از شهرت از مردم فاصله می‌گیرند او دوست داشت کف جامعه باشد و از هکلامی با آنها لذت می‌برد. هنرش



برای مردم بود و جواده‌شد. او از استادیازی‌های امروز ایران به‌دور بود. رفتارش با اطرافیان مثل یک دوست بود و نه یک استاد اما جوهره یک استاد را داشت. گفته‌هایش همراه با طنز بود. در عین رفتار صمیمی‌اش هیچ‌وقت به‌جز برای چند نفر از اطرافیان نزدیکش سفره دلش را برای کسی باز نمی‌کرد. او عاشق ایران و فرهنگش بود. یکی از آرزوهایش دیدن افغانستان بود. همیشه می‌گفت که من باید بیایم آنجا را ببینم و درک کنم. به نظر من صادق یکی از هنرمندانی بود که یک پدیده در عصر خود محسوب می‌شد.او درعین حال که هنرمندی خلاق و نوآور در آثارش بود از نقطه نظر جامعه‌شناسی بسیار هوشیار بود. مهم‌ترین خلصت او در آثار هنری‌اش حضور و اثر انسان در تمامی آنان بود. او همیشه برای انسان‌ها و انسانیت ارزش بسیاری قایل بود. تابلو تمام قدر هنر ایران در منطقه و جهان بود. زبان خاصی برای بازگو کردن دغدغه‌هایش داشت که باعث تفاوت سبک کارش با دیگران شده بود. هیچ وقت دوست نداشت فقط به‌عنوان عکاس شناخته شود و گستره هنر خود را در سینما و تئاتر و نقاشی می‌دانست. آثار جدید او بیشتر از تکنیک فوتومونتاژ و کولاژ بهره داشت، برعکس آثار قبلی وی که عکاسی در آنها از نقش بیشتری برخوردار بود. یکی از المان‌های اصلی آثارش تمدن شرق بود که همیشه در تمامی دوره‌های کاری وی مشهود بود. همچون مجموعه عاشورا و زورخانه او در آثارش دنبیل یادآوری عناصر و المان‌های فراموش‌شده در جامعه بود. هنرش مفهومی نبود ولی با وجود علاقه‌اش به سنت، تعادل را در سنت‌شکنی ایجاد می‌کرد و هیچ وقت با آثارش نفی گذشته را انجام نداد، به‌گفته خودش قصد ترویج آنها را نداشت و فقط می‌خواست آنها را یادآوری کند. علاقه او به مذهب در آثارش، به کودکی وی برمی‌گشت که همراه پدرش بوده زمانی که پدرش مسئول هیات عزاداری بود. او هنر مفهومی را خوب می‌شناخت و به‌راحتی هدف خود را بیان می‌کرد. شاید می‌دانست که زمان زیادی برای دیدن ایران و دوستانش ندارد. به‌همین دلیل در آخرین روزهای زندگی خود به ایران آمد. آخرین پروژه‌اش را در بستر بیماری انجام داد و رفت. بی‌مهرانه منتظر دیدن آن هستم چرا که آثارش تنای کلام و چهره او را برای من دارد. روحش شاد.

اتاق روشن

دوری از هیاهو



آرمان استپانیان

اینکه کنتراست کارهای او یکی از بهترین‌ها بود چون سایه‌روشن را خیلی خوب درک می‌کرد و تاکید او روی هر پرسوناژ خیلی عالی بود. یکی از نکات دیگری که در کارهایش کاملاً مشخص است، انزوای شخصی او بود. ما در دو نمایشگاه که آثار خیلی مدرنی را در پاریس ارایه کرده بود، با هم شرکت کرده بودیم و یکی از نمایشگاه‌های مشترک ما در سال ۱۳۸۰ در موزه پاریس بود. در تمام مدتی که با او آشنا بودم و باعث شد با نوع کارهایش آشنا شوم، او در سال ۷۹ نمایشگاهی در گالری سیحون برگزار کرد و به فاصله یک سال بعد من هم در همین گالری نمایشگاهی برپا کردم. همین رفت‌وآمدها ما را به یکدیگر نزدیک کرد. وقتی آثار او را دیدم متوجه شدم چقدر به فضای کارهای من نزدیک است. علاوه‌بر ویژگی‌های مشترک در آثارش، کارهایش را دوست داشتم. موضوع‌های او در عکاسی خیلی صریح و خلوت بود. آثار من هم از لحاظ فرمی خلوت هستند. ضمن

صادق تیرافکن در تورنتو درگذشت. این خبر یک‌خطی، اهالی تجسمی و عکاسان را غروب پنجشنبه ۱۹ اردیبهشت برای دقایق طولانی در بُهت فروبرد. با اینکه دوستان نزدیک این هنرمند از بیماری تومور مغزی‌اش آگاهی داشتند؛ اما خیلی‌ها در پس چهره آرام ولی جدی هنرمند ۴۸ساله، بیماری‌ای نمی‌دیدند. هر آنچه بود، تلاش بود و پرکاری و برپایی نمایشگاه‌های مهم در موزه‌ها و گالری‌های مطرح جهان. خیلی‌ها او را عکاسی بزرگ می‌شناختند و شماری دیگر به او به چشم یک «هنرمند مفهومی» نگاه می‌کردند. خود او اما، آن‌ر ۹۰ در گفت‌وگویی با «شرق» گفته بود: «کار من با آن عکاسی منظر شما که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ شکل گرفت، فرق دارد و از این نظر من عکاس نیستم... باید بگویم از اوایل دهه ۸۰، جریان دیگری در عکاسی مطرح شد. من از عکس استفاده می‌کنم و اساس کارم عکاسی است؛ ولی کلیت کارم ربطی به عکاسی کلاسیک ندارد.» تیرافکن در مجموعه‌های «خت جمشید» (۱۹۹۸-۱۹۹۵) و «چغازنبیل» (۹۷-۹۶) به گذشته تاریخی تاکید داشت و رفته‌رفته در مجموعه‌های جدیدتر، از جمله «زورخانه»، این «گذشته»، مقطعی نزدیک به دوران حاضر را دربر گرفت و به گذشته ۷۰، ۸۰ سال پیش ارجاع پیدا کرد. با اینکه معتقد بود «آدم بی‌گذشته، آدم بی‌هویت است» ولی این را هم می‌افزود که گذشته تابوتی نیست که مدام آن را روی دوشمان حمل کنیم. در واقع تیرافکن نوعی نگاه نوامان به پیش‌رو و پشت‌رس داشت. می‌گفت: «نگاه به گذشته، هم دربردارنده نگاه به افق پیش‌روست و هم نگرستن به پشت سر. همیشه در کارهایم سعی می‌کنم حسی ایجاد کنم که واپس‌گرایی قلمداد نشود. هدفم از پرداختن به گذشته، از روی دریغ و افسوس نیست. نوعی کنکاش و طرح سوال است. بیشتر آثار این هنرمند به هویت، جنسیت و تقلیل‌های رخ داده

قانون «کنترل خانواده» کار دست فیلمساز چینی داد

شرق: مشهورترین کارگردان سینمای چین به دلیل تخطی از قانون کنترل خانواده داشتن بیش از هفت فرزند به دادگاه احضار و محاکمه خواهد شد. روزنامه «هردم» وابسته به حزب کمونیست با انتشار این خبر نوشت: است که مقامات چینی، تحقیقات خود را در مورد نادیده گرفتن مهم‌ترین قانون این کشور درباره کنترل جمعیت توسط ژانگ ییمو فیلمساز صاحب‌نام آغاز کرده‌اند. رونیتر به گزارش از ارگان اصلی حزب کمونیست چین ژانگ ییمو براساس اخبار به دست آمده حداقل هفت فرزند دارد. در صورت تایید این خبر او به جرم تخطی از قانون تنظیم خانواده به پرداخت ۱۶۰ میلیون یوان (۲۶۰۵ میلیون دلار) محکوم خواهد شد.
یک مقام رسمی در کمیسیون تنظیم جمعیت و خانواده شهر ووشی گفته است که: «چ می‌نای سیاست‌ها و قوانین فعلی، تحقیقات درمورد این موضوع در حال انجام است.» وی هنوز نمی‌تواند تایید کند که ژانگ ییمو دارای هفت فرزند است اما افزوده که این موضوع در دست بررسی است.»
ظاهرا این چنین، هسمر دوم ژانگ ییمو، در شهر ووشی سکونت دارد. آنچه مشخص نیست این است که فرزندان ییمو چکا به دنیا آمده‌اند. او دوبار ازدواج کرده و از دو همسر قانونی خود هفت فرزند



شرکت بزرگ فیلیپس که در حال حاضر خود تبدیل به یکی از مهم‌ترین فروشندگان و خریداران آثار مهم عکاسی جهان شده اعلام کرد که قرار است نمایشگاه بزرگی از آثار عکاسی هنرمند برجسته برزیلی، سباستیاو سالگادو را در لندن برگزار کند. این نمایشگاه شامل ۵۰ عکس سیاه و سفید از سالگادوست که با تکنیک ژلاتین سیلور چاپ شده است. سالگادو از بزرگ‌ترین و تاثیرگذارترین عکاسان معاصر دنیاست که توانسته بخش‌هایی از تمدن مدرن را که از دید عموم مخفی مانده است شکار کند و به نمایش بگذارد.

منبع:رویترز

هنر

یادداشت روز

عکاسِ صادق



فرح ابوالقاسم

نوآور بود، استعدادهای جوان را از نظر مادی و معنوی مورد حمایت قرار می‌داد. همه خاطره‌های من از او خیلی خوب، دلپذیر و مثبت است و هیچ‌کج تاریکی از او وجود ندارد. فکر می‌کنم این تصویر، منحصر به من نیست و همه آنهایی که او را می‌شناختند یا از او خاطره دارند، چنین ذهنیتی از تیرافکن دارند. حتی نام او با شخصیتش هماهنگ و واقعا صادق بود. هرچند سال‌ها بود تیرافکن از سرطان رنج می‌برد ولی شاید تعداد کسانی که این موضوع را می‌دانستند، خیلی زیاد نبودند. متنها در ماه‌های اخیر، بیماری او شدت گرفته بود و باعث شد یکی از بهترین دوستانمان را از ما بگیرد. نکته مهمی که دوست دارم درباره تیرافکن حتما گفته شود، این است که او خیلی نوآور، پیشرو و خلاق بود. سروصدا و هیاهوی زیادی نداشت و با اینکه در عرصه بین‌المللی شناخته‌شده بود اما همیشه کارهایش بی‌انگرف افکارش بود و خودش هم می‌دانست در چه جایگاهی قرار دارد.

به مرور زمان آدم‌ها وارد کارهایم شدند و دست آخر، انبوه آدم‌ها، سوزه کارهایم قرار گرفت‌اند.» از سال ۱۳۶۹ در رشته «عکاسی» از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد و عکاسی حرفه‌ای را از سال ۱۳۷۰ آغاز کرد. طی این مدت توانست جوایز داخلی و خارجی بسیاری را به دست آورد. برخی از آثار این هنرمند، در مجموعه‌های ثابت موزه‌های مطرحی چون موزه بروکلین نیویورک، موزه ملی بریتانیا، موزه اروپایی عکس در پاریس، موزه لاکما (لس‌آنجلس) و همچنین موزه هنرهای معاصر تهران نگهداری می‌شود و شماری از آنها هم تاکنون در حراج‌های معتبر هنری در لندن، نیویورک و دوبی به فروش رسیده‌اند. تیرافکن طی سال‌های اخیر بین تورنتو و تهران در رفت‌وآمد بود. شعبه گالری اعتماد در دوبی سال ۹۰ میزبان نمایشگاه انفرادی این هنرمند بود. در این نمایشگاه تعدادی از فوتومونتاژهای او با عنوان «۶۱۱» به نمایش درآمد. از سوی دیگر نمایشگاه «هدایای سلاطین» که شامل آثار تیرافکن و دو هنرمند معاصر دیگر خاورمیانه بود، از اواخر اسفند ۹۰ تا خرداد۹۱ در موزه اسلامی قطر در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفت. هدایای سلاطین، یک تور بزرگ نمایشگاهی بود که از موزه هنرهای معاصر لس‌آنجلس (لاکما) آغاز شد و سیمه‌ا در این موزه در معرض دید مخاطبان بود. تیرافکن در این تور نمایشگاهی، یک چیدمان ارایه داد. آخرین نمایشگاه تیرافکن در تهران، سال گذشته در گالری هما برپا شد. نمایشگاهی با عنوان «گام‌های اولیه» دربردارنده عکس‌های هنرمند از اولین گام‌های جدی‌اش در عکاسی‌اش. او همچنین سال گذشته، در پانزدهمین دوسالانه بین‌المللی هنر آسیایی ینگلادش، موفق به دریافت تندیس دوسالانه، مدال طلا، دیپلم افتخار و جایزه نقدی این دوسالانه شد. لازم به ذکر است پیکر این هنرمند قرار است پس از انتقال به تهران تشییع شود.

«گذشته» فرهادی، جمعه آینده رونمایی می‌شود

و اجازه اکران می‌گیرد. «رئیس پژو»، «طاهر رحیم»، «علی‌مصفا»، «پاتولین بولرت»، «الیس آگوس»، «ژان جستین»، «سابرنا وزانی» و «پاپک کریمی» بازیگران تازه‌ترین فیلم فرهادی هستند. شصت‌وششمین دوره جشنواره کن از روز پانزدهم می، چهارشنبه همین هفته (۲۵ اردیبهشت) با نمایش فیلم جشنیه بزرگ با بازی لئوناردو دی‌کاپریو آغاز می‌شود. در این دوره از جشنواره کن فیلمسازان صاحب‌نامی چون جیم جارموش، رومن پولانسکی، برادران کوئن و فرانسوا اوزون در بخش رقابتی شرکت کرده‌اند. امسال به غیر از فرهادی نام محمد رسول‌اف با فیلم «اتشناس» هم مطرح بود که با آنکه نام فیلم ناشناس در فهرست آثار بخش نوعی نگاه جشنواره هست؛ اما نامی از رسول‌اف به چشم نمی‌خورد. همچنین فیلم کوتاه ایرانی «دوئت» به کارگردانی نوید داش ۲۲ می (اول خردادماه) در سانس برنامه افتتاحیه بخش «سینه فونداسیون» جشنواره فیلم «کن» به نمایش درمی‌آید. به گزارش ایسنا «دوئت» نخستین فیلمی است که در فهرست این بخش نام‌گذاری شده است. «دوئت» به کارگردانی سیدعلیرضا میرعلیقن، پژوهشگر حوزه موسیقی به انتشار سالنامه‌های تخصصی موسیقی همت کرده بود که سالنامه امسال موسیقی، به نوعی تکمیل‌کننده و ادامه‌دهنده همان راه است. سالنامه ۹۲ موسیقی، یک دایره‌المعارف تخصصی حوزه موسیقی است؛ زالروز و سالمرگ استادان موسیقی و معرفی آثاری اجمالی آنها که دجلگی از منابع و مراجع رسمی برداشت شده است، یکی از بخش‌های جالب‌توجه این سالنامه است که بی‌شک بسیار به کار اهالی موسیقی و روزنامه‌نگاران خواهد آمد. شناختنامه مفاهم موسیقی نواحی ایران، معرفی سازهای اصلی موسیقی ایرانی، معرفی نشریات موسیقی، برنامه‌های موسیقی رادیو و تلویزیون، معرفی جامع گروه‌های موسیقی سنتی، پاپ و کلاسیک، اطلاعات سالن‌های اجرای موسیقی در تهران، اسامی و اطلاعات جامع آموزشگاه‌های موسیقی تهران، ناشران حوزه موسیقی و از همه مهم‌تر متوفیان مدفون در ققعه هنرمندان ایران به همراه شماره قطعه و تاریخ قطعه تولد و مرگ نیز از دیگر بخش‌های این سالنامه تخصصی است. سالنامه تخصصی موسیقی، بی‌شک یک خدمت فرهنگی است که با در اختیار داشتن آن و در کنار همه آنچه در بالا به آن اشاره شد، می‌توان یک آلبوم عکس خوب هم از بزرگان حوزه موسیقی و رویدادهای قابل تامل این حوزه در سال‌های اخیر به همراه داشت.

گزارش روز

«برتولوچی» رییس هیات داوران ونیز شد

ژان لوک گدار فیلمساز محبوب برتولوچی اعطا شد. برتولوچی روز پنجشنبه در بیانیه‌ای گفت: «آن زمان چیزی که از فیلم‌ها می‌خواستم غافلگیری و لذت بود. از آن زمان تاکنون خیلی عوض نشدم.» او و همکارانش که اسامی آنها بعد اعلام می‌شود، برنده جایزه شیر طلایی و دیگر برندگان بخش سابقه بین‌الملل این دوره لیدو را مشخص می‌کنند. برتولوچی سال ۲۰۰۷ جایزه شیر طلایی یک عمر دستاورد جشنواره ونیز را دریافت کرد و سال ۲۰۱۱ نیز اولین نخل طلای افتخاری سالانه جشنواره کن به او رسید. «آخرین امپراتور» به کارگردانی برتولوچی در ۱۹۸۷ برنده ۹ جایزه شامل بهترین کارگردانی و فیلمنامه اقتباسی شد تا او تنها فیلمساز ایتالیایی باشد که اسکار بهترین کارگردانی را دریافت کرده است. برتولوچی برای فیلم‌های «دنباله‌رو» و «آخرین تانگو در پاریس» هم نامزد اسکار بوده است.

گام آخر

دامنه‌های غیبت



علیرضا امیرحاجبی

● هرچند هنرمعاصر ایران فراز و فرودهای بسیاری داشته و هنوز نیز دارد؛ اما برآیند این تحولات بی‌دری بسیار درخشان و گاه شگفت‌انگیز بوده و ناظران داخلی و خارجی به این نتایج که آینه تمام‌نمایی از وضعیت کشورمان است اذعان دارند. دهه ۷۰ شمسی زمان رشد و سپس شکوفایی نسل جوان هنرمندان ایران بود که با شکلی جدید از رسانه‌های بصری، سعی در بیان و نمایش هویت جمعی ایرانیان داشتند. صادق تیرافکن نیز یکی از همین هنرمندان بود. این گروه در جست‌وجوی مجدد چیزی بودند که اکثر ایرانیان، آن را در گذشته جست‌وجو می‌کنند. اما به نظر می‌رسد که همین گروه از هنرمندان، با دلایل مختلف توانستند این هویت جمعی که عناصر مختلفی نیز داشته و دارد را پیدا کرده و به نمایش گذارند. این عناصر بصری هویت‌ساز بسیاری دیگر از پدیده‌های زندگی روزمره حضوری مستمر و پایدار دارند. هنرمندانی چون تیرافکن با درک و سپس کشف تاثیرات این عناصر بصری، توانستند بار دیگر آنها را وارد عرصه هنر معاصر کنند. تیرافکن ثابت کرد با وجود تکراری بودن این-عناصر در هنر مدرن ایران، باز هم می‌توان از آنها به شکل و نحوه دیگری بهره برد. نکته جالب توجه این است که بسیاری بر این گمان بوده و هستند که نسل هنرمندانی چون تیرافکن به شکلی توسط ته‌اجمات فرهنگی، هویت‌زایی شده‌اند و دیگر هیچ‌چیز جز ستایش از غرب در آثارشان باقی نمانده است و با ارتباط‌ادن هنرهای مدرن با انواع و اقسام لایه‌های کاذب، سعی در سرکوب هنر معاصر ایران کرده و می‌کنند. اما هنر تیرافکن و بسیاری دیگر از هم‌سلان او ثابت کرد که هنرمند جوان بدون اتکا به منابع مالی وسیع که برخی دیگر در اختیار دارند و به این وسیله به مجیزگویی این و آن در آثارشان می‌پردازند، توانسته‌اند تا قلب معتبرترین موزه‌ها و گالری‌های جهان پیش رفته و هنر و جامعه معاصر ایران را به نمایش گذارند. این نسل، نماینده بی‌کی‌وکاست جامعه رو به‌رشد ایران است. حال، برخی با اتهام‌زنی‌های بی‌مورد در زمینه هنر مدرن و مفهومی به کجا خواهند رسید؟ خود می‌دانند و خدایشان. یاد صادق تیرافکن، این هنرمند با استعداد و پرتلاش گرمی‌باد.

فقه‌سه آهنگ

درباره سالنامه تخصصی موسیقی ۹۲

تلخ و شیرین یک حکایت



پژمان موسوی

● خیلی وقت‌ها هست که ما چوب ندانم‌کاری‌های دیگران را می‌خوریم، با خبون دل کار می‌کنیم، با عشق در این وانفسای فرهنگی کار فرهنگی می‌کنیم و نهایت امر با یک تاخیر کوچک چاپچی‌های محترم و گذر از روزهایی که شهروندان معنودا در آن، سالنامه مورد علاقه خود را انتخاب می‌کنند، همه چیز دود می‌شود و به هوا می‌رود؛ حالا این شده حکایت نخستین سالنامه جامع موسیقی؛ سالنامه‌ای متفاوت که مهترین ویژگی‌اش نگاه به اتفاقات مهم جریان‌ات موسیقی در دهه ۸۰ در کنار هر آن چیزی است که یک اهل موسیقی از یک سالنامه تخصصی انتظار دارد. البته سنت انتشار سالنامه‌های تخصصی در ایران سنتی چندساله است و از برخی سالنامه‌های بازاری که جز دکانی برای منتشرکنندگان آن نیست اگر بگذریم، می‌توانیم با قاطعیت بگوییم که این سنت، تاکنون یک خدمت فرهنگی نیکو برای اهل فرهنگ بوده است. در حوزه موسیقی نیز تا پیش از این و در چند نوبت سیدعلیرضا میرعلیقن، پژوهشگر حوزه موسیقی به انتشار سالنامه‌های تخصصی موسیقی همت کرده بود که سالنامه امسال موسیقی، به نوعی تکمیل‌کننده و ادامه‌دهنده همان راه است. سالنامه ۹۲ موسیقی، یک دایره‌المعارف تخصصی حوزه موسیقی است؛ زالروز و سالمرگ استادان موسیقی و معرفی آثاری اجمالی آنها که دجلگی از منابع و مراجع رسمی برداشت شده است، یکی از بخش‌های جالب‌توجه این سالنامه است که بی‌شک بسیار به کار اهالی موسیقی و روزنامه‌نگاران خواهد آمد. شناختنامه مفاهم موسیقی نواحی ایران، معرفی سازهای اصلی موسیقی ایرانی، معرفی نشریات موسیقی، برنامه‌های موسیقی رادیو و تلویزیون، معرفی جامع گروه‌های موسیقی سنتی، پاپ و کلاسیک، اطلاعات سالن‌های اجرای موسیقی در تهران، اسامی و اطلاعات جامع آموزشگاه‌های موسیقی تهران، ناشران حوزه موسیقی و از همه مهم‌تر متوفیان مدفون در ققعه هنرمندان ایران به همراه شماره قطعه و تاریخ قطعه تولد و مرگ نیز از دیگر بخش‌های این سالنامه تخصصی است. سالنامه تخصصی موسیقی، بی‌شک یک خدمت فرهنگی است که با در اختیار داشتن آن و در کنار همه آنچه در بالا به آن اشاره شد، می‌توان یک آلبوم عکس خوب هم از بزرگان حوزه موسیقی و رویدادهای قابل تامل این حوزه در سال‌های اخیر به همراه داشت.